

## از دیالکتیک دود شدن و به هوا رفتن تا تخریب خلاقانه در فضای شهری

تجربه‌ی "جاکارتا" درسی تامل برانگیز برای فضای عمومی تهران و سایر کلانشهرهای ایران

رها مسیح

۱- کارشناس ارشد طراحی شهری دانشگاه تهران ، [rahmassih@ut.ac.ir](mailto:rahmassih@ut.ac.ir)

### چکیده

شکاف حاصل شده میان طبقات اجتماعی بیش از هر چیز بر فضای شهری تاثیر گذاشته و این فضا را به کارزاری برای روایت تعارض میان دو گروه ثروتمند و فقیر تبدیل کرده است. این فضای شهری عموماً تنها دست‌آویز قشر رانده‌شده به حاشیه برای بازماندن در صحنه‌ی رقابت طبقاتی است و این گروه از نگاه شهروندان و مسئولین در راستای استفاده بهینه از فضای عمومی، اغلب باعث اغتشاشات بصری و یا معضلات حرکتی می‌گردند، در راستای حل این معضل، بسیاری از طراحان، سرمایه‌گذاران و حتی دولت با طرح‌های نوسازی، بهسازی و بازسازی در جهت حذف این افراد که در ظاهر چهره‌ی شهر را مخدوش ساخته‌اند، از تنها تجلی‌گاه آرمان‌هایشان، به خصوصی‌سازی و تجاری‌سازی این فضاهای شهری پرداخته‌اند. این مسئله که عمدتاً به دلیل نگاه بخشی و کوتاه‌بینانه به شهر و فضای شهری و قدرت یافتن سرمایه‌گذاران در میان کارفرمایان طرح‌های شهری است تنها بر انباشت سرمایه‌ی سرمایه‌داران و توسعه‌دهندگان شهری مبادرت می‌ورزد. اصلی‌ترین قربانی این تضاد باز تولید شونده توسط تغییرات پیاپی کالبد شهری که هم می‌توان آن را حاصل مدرنیسم و یا سرمایه‌داری و یا هردوی آنها دانست، فضای شهری و منظر شهری است. در این پژوهش با روش پنهانگر و پدیدارشناختی سیر تغییرات و نگرش‌ها از دیالکتیک دود شدن و به هوا رفتن از نظر "مارکس" تا مصرفی نمودن شهرها در بیان "هاروی"، به تخریب خلاقانه اصطلاح بکار برده شده توسط "شومپیتر" رسیدیم که نگاهی نو به جامعه کارآفرین مدرن دارد. طی مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی تطبیقی توصیفی این تعریف رایج در زمینه کارآفرینی با مسائل شهری، تجربه‌ی شهری جاکارتا را به عنوان پایتخت کشوری در حال توسعه تجربه و آینه‌ای برای شهر تهران یافتیم که در آن طراحان و مسئولان خودآگاه یا ناخودآگاه با نوسازی‌ها و تجاری‌سازی فضا نه تنها این معضل را حل نکرده بلکه به آن دامن می‌زنند. جاکارتا که اختلاف طبقاتی در آن به دلیل عدم توجه طرح‌ها و برنامه‌ها به آنها و حتی مشکلات عمده مدیریتی بسیار گسترش یافته است، به نوعی آینده‌ای مذموم برای کلانشهر تهران را نمایش می‌دهد که در صورت تداوم طرح‌های بی‌پایه شهری و حتی معماری و تخصیص فضا به ویژه در بافت‌های مرکزی که تبدیل به مکان مبادلات تجاری شده، رخ خواهد داد. از این رو این مقاله با بررسی این تجربه و تطبیق آن با مفاهیم ارائه شده سعی در ارائه راهکارهایی در جهت پرهیز از این نتایج دارد.

**واژه‌های کلیدی:** تضاد اجتماعی ، فضای شهری ، تخریب خلاقانه ، اعیان سازی ، تخریب و نوسازی ، رشد سرمایه‌داری

### ۱- مقدمه

نخستین انتقادکنندگان جامعه‌بورژوازی مدرن و تمدن سرمایه‌داری صنعتی (نیم قرن پیش از مارکس) شاعران و نویسندگان رمانتیک بودند. (کیوان، ۱۳۷۴) می‌توان بینش رمانتیک درباره جهان را با ویژگی انتقاد عمومی از تمدن صنعتی (بورژوازی) مدرن به‌مثابه برخی ضارزش‌های اجتماعی و فرهنگی پیش از سرمایه‌داری تعریف کرد. در واقع فرماسیون سرمایه‌داری ساختی استثماری و طبقاتی است که تاریخ بشر به خود شناخته و پیدایش آن از نظر تکامل جامعه بشر گامی به جلو است، مرحله‌ای است مترقی‌تر نسبت به فئودالیسم که به نوبه و به موقع خود سدهایی را که در مقابل رشد نیروهای مولده و